

فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی

علی خزامی فر

در چهل پنجاه سال اخیر ضرورت تبادل دانش و برقراری ارتباطات فرهنگی موجب پیشرفت سریع علم "واژه نگاری" و نیز رونق روز افزون کار تدوین "برابرنامه" های علمی شده است. در گذشته واژه نگاران کارشان را به تحلیل یک یا دو زبان خاص محدود می کردند. سپس دوره ای بود که واژه نگاران می کوشیدند در تألیف لغت نامه برای یک یا دو زبان خاص از دستاوردهای زبانشناسی کمک بگیرند. آنان به امکان وجود تجارب و اصول مشترک در فعالیت واحد لغت نامه نویسی واقف نبودند. این طرز تفکر و شیوه کار در دهه هفتاد بکلی تغییر یافت. امروزه لغت نامه ها و برابرنامه های دو زبانه یا چند زبانه با اهداف متفاوت، روش های متفاوت و برای مخاطبان متفاوت نوشته می شود، اما انواع لغت نامه های عام و تخصصی، و رای این تفاوتها، ویژگیهایی مشترک و عام دارند. در سالهای اخیر مطالعه تفصیلی اصول و ویژگیهای لغت نامه ها موضوع علم مستقلی شده است که هدف آن وضع نظریه ای واحد یا یافتن رهبردی روشمند برای تألیف لغت نامه است. مطالعه روشمند لغت نامه ها می تواند، دست کم، نتایجی عام به دنبال داشته باشد که قطع نظر از زبان یا زبانهای خاص، در تألیف لغت نامه ها سودمند افتد. طلعه چنین علمی ظهور روز افزون مؤسساتی است که کارشان یا تألیف لغت نامه و تدوین برابرنامه است یا مطالعه در اصول واژه نگاری (metalexigraphy).

فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی، فارسی-انگلیسی (محمد تقی اکبری ... [و دیگران]) ویرایش بهاء الدین خرمشاهی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، (۱۳۷۰) جامع ترین برابرنامه در نوع خود است که معادلها و برابر نهاده های واژگان تخصصی فرهنگ و علوم اسلامی گردآوری شده از حدود یکصد و سی متن تحقیقی یا ترجمه شده (از عربی و فارسی به انگلیسی) را در اختیار خواننده قرار می دهد. گردآورندگان جمعی از مترجمان و محققان بنیاد پژوهشهای اسلامی هستند و کار گردآوری بیش از سه سال بطول انجامیده است. منابع مورد استفاده شماره گذاری شده اند و هر "برابر نهاده" در متن فرهنگ نامه با شماره منبع مربوطه مشخص شده است.

نمونه کار از این قرار است:

subjection to time	۷۹	توقیت (کل.)
signature; seal; decree	۱۲۰	توقیع (نیز ← طغرا)
extent of property	۶۳	توقیف اموال (حق.)
attachment on real estate	۶۳	توقیف اموال غیرمنقول (حق.)
seizure of movable property	۶۳	توقیف اموال منقول (حق.)
trust	۷.۵۷.۸۰.۹۰.۱۰۳.۱۱۳	توکل (قرآنی)
confidence	۵۸.۸۰	
confidence in God; reliance	۴۲	
resignation to (the will of) God	۲۵.۸۰	
put trust in (God)	۱۰۰	توکل کردن
rely on (God)	۲	
trust in God	۱۰۳	
generation	۱۰.۹۳	تولد (فد. کل.)
development	۱۰۴	
		تولد و ← طلیطله
take for friend	۸۷	تولی (قرآنی)
declare one's solidarity with...	۸۰ - ۳	تولیت (فد.)
trusteeship	۳۱	
custodianship	۶۱	
production	۵ - ۲	تولید (اف.)
reproduction	۱۱	تولید مثل (نیز ← توالد)
procreation	۲۹	
		تومار ← طومار
misconception	۱۶	توهم
unfounded assumption	۸۳	
supposing	۸۰ - ۳	
affront	۶۱	توهین
sacrilege	۱۲۰	توهین به مقدسات
rib	۱۱۵	تویزه (هند.)
interlacing ribs	۱۱۵	تویزه های درهم رفته (معم.)
conflict of equivalent testimonies	۸۵	تهاتر (فد.)
barter	۵ - ۲	تهاتر (اف.)
compensation; clearing	۶۳	تهاتر (باز.)
clearing - house	۶۳	اتاق تهاتر. (باز.)
incoherence	۵۷	تهافت

بی تردید فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی با بهره‌گیری از منابع متعدد در زمینه گسترده تمدن و علوم اسلامی موفقیتی در کار تدوین "برابرنامه" به حساب می‌آید، خصوصاً که در این کتاب به نقل "برابر نهاده‌ها" اکتفا نشده و در عموم موارد برای شناساندن یک اصطلاح یا فرق نهادن بین اصطلاحات مشابه توضیحاتی داده شده است. با این حال، از آنجا که تألیف لغت‌نامه و تدوین "برابرنامه" کاری بدون خطا و از نوع "یکبار برای همیشه" نیست و لازمه اعتبار آنها بازنگری مداوم آنهاست، ذیلاً نکاتی را ذکر می‌کنم که بیشتر مربوط به اصول و شیوه کار است. نکات پیشنهادی، در صورتی که درست و متقن باشد، تنها به جنبه‌هایی خاص از کتاب برمی‌گردد و به هیچ روی از ارزش کارگرد آورانندگان و ویراستار محترم و نیز از ارزش کتاب نمی‌کاهد.

۱ - در مقدمه کتاب در توضیح دامنه شمول این برابرنامه چنین می‌خوانیم: "فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی شامل کلیه کلمات کلیدی و اصطلاحات علوم اسلامی و علوم انسانی قدیم و کلمات فرهنگداری است که نمایانگر وجهی از فرهنگ و تمدن اسلامی است." مراد از اصطلاحات علوم اسلامی، به نقل از مقدمه کتاب، در درجه اول کلمات کلیدی قرآن است و بعد اصطلاحات علم تفسیر و تجوید، علم حدیث، علم اصول فقه، علم فقه، علم منطق، فلسفه، علم کلام، تصوف و عرفان، علم اخلاق، صرف و نحو و دستور زبان فارسی، علوم بلاغی، تاریخ، جغرافیا، ریاضیات، نجوم، طب و حتی اصطلاحات علوم غربیه نظیر رمل جفر، نیرنجات، افسون و طلسم و غیره. نیز اصطلاحات مهم و معروف فوننی چون معماری، نقاشی، تذهیب، خطاطی، موسیقی، صحافی و کتابسازی نیز در این برابرنامه آمده است.

دامنه شمول کتاب، چنان که از دستور کار فوق برمی‌آید، بسیار وسیع است. این وسعت دامنه در صورتی که واژه‌ها بنابر ملاکی عینی انتخاب شده باشند حُسن کتاب است. بطور کلی واژه‌های گزیده شده به دو دسته تقسیم می‌شوند: واژه‌های متعلق به فرهنگ اسلامی و واژه‌های مربوط به علوم اسلامی. در مقدمه کتاب ویراستار محترم قید "فرهنگدار" را به عنوان ملاکی برای انتخاب واژه‌ها ذکر کرده اما آن را توضیح نداده است. اگر "فرهنگدار" را معادل culture-bound بگیریم، در این صورت کلمه فرهنگدار بیانگر مفهومی است که این مفهوم - و نیز لفظی برای آن - در فرهنگ‌های دیگر وجود ندارد (مثل نماز نافله، تیمم، مهر) و یا اگر وجود دارد، لفظ موجود دارای تفاوت‌های معنایی یا بار فرهنگی - اعتقادی متفاوتی است (مثل توبه نصح، شفاعت کردن، ابتلاء) مترجمی که کلمات فرهنگدار را از زبانی به زبانی دیگر ترجمه می‌کند مجبور است برای این کلمات معادلهایی تا حد امکان نزدیک به معادلهای آشنای زبان مقصد برگزیند یا معادلهایی به صورت ترکیبی بسازد. بدین ترتیب ذوق و شناخت مترجم در انتخاب یا ساختن معادلهای فرهنگی که از دقتی نسبی برخوردارند مدخلیت دارد. انتخاب کلمه فرهنگدار - به این معنی - مبتنی بر ملاکی عینی است: یا معادل کلمه در فرهنگ دیگر وجود ندارد، یا با تفاوت‌هایی همراه است. بنابراین کلماتی که بیانگر مفاهیم مشابهی در دو فرهنگ هستند، در دستور کار چنین برابرنامه‌ای قرار

نمی‌گیرند. برابر نهاده‌های کلمات فوق به نقل از فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی به قرار زیر است:

supererogatory prayer	نماز نافله	sincere repentance	توبه نصوح
dry ablution;		intercede	شفاعت کردن
ablution with sand	تیمم	try; affliction	ابتلا
clay disc	مهر		

اگر منظور از فرهنگدار اشاره به واژه‌های تخصصی علوم اسلامی (از جمله واژه‌های قرآنی) است - که در واقع بخش اعظم مدخل‌های کتاب را تشکیل می‌دهد - در این صورت مفهوم "تخصصی" به نحوی غیر دقیق در نظر گرفته شده است. واژه تخصصی واژه‌ای است (یا یکی از کاربردهای واژه‌ای است) که معنایی محدود و دقیق دارد، و خاص یک علم یا فن یا هنر است و درک آن توسط غیر اهل فن نیازمند تعریف یا توضیح آن است. اگر تعریف عینی فوق را ملاک بگیریم در این صورت به کلماتی چون کلمات زیر بی‌دلیل جواز ورود به کتاب داده شده است:

آینه (mirror)، تاریخ (history)، تاثیر (impression)، تأثر (sorrow)، تأخیر (delay)، حائل (obstacle)، حافظه (memory)، حساس (sensitive)، چشمه (fountain, spring)، خجل (shamefaced)

از آنجا که مفاهیم "اصطلاح تخصصی" و "فرهنگدار" و بطور کلی ملاک انتخاب بطور دقیق و عینی تعریف نشده است، تعدادی از مدخلها، البته ناچیز نسبت به کل مدخلها، موضوع اختلاف نظر باقی می‌مانند.

۲ - زمانی بود که منطقین، فلاسفه و نیز لغت‌نامه نویسان، کلمه را بدون ارتباط با گوینده و بافت کلام، از نظر معنایی عناصری مستقل تلقی می‌کردند. امروزه زبان‌شناسان معنی کلمه را جوهری (entity) قابل انعطاف می‌دانند که درک آن در بسیاری از موارد به همان اندازه که به معنی ذهنی (conceptual meaning) - رابطه میان کلمه و شیئی یا مفهومی که به آن اشاره دارد (کلمه بستگی دارد، به عواملی چون گوینده و بافت (context) مربوط می‌شود. در نتیجه برای درک معنی کلمه و نیز برای توضیح معنی کلمه در چنین مواردی به اطلاعات بافتی (contextual information) نیاز است. اطلاعات بافتی نقشی دوگانه دارد: اولاً معانی متعدد کلمه را محدود می‌کند، ثانیاً با محدود کردن معانی، مقصود گوینده را برجسته می‌کند. در لغت‌نامه‌ها معنی کلمه را بطرق مختلف "محدود" و "برجسته" می‌کنند. طریقه‌ای که هر لغت‌نامه نویس به کار می‌گیرد بستگی به این دارد که استفاده‌کننده از فرهنگ‌نامه می‌خواهد معنی کلمه را "تشخیص بدهد" یا کلمه را در جمله "به کار ببرد". این دیدگاه نسبت به معنی کلمه در تدوین "برابرنامه" نیز مدخلیت دارد. برای توضیح بیشتر این نکته به بحث زیر درباره دو مدخل متوالی "باطل" و "باطن" برگرفته از فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی توجه کنید:

برای مدخل "باطل" برابر نهاده‌های زیر داده شده است:

null and void

falsehood

false

wrong

اولاً مقولهٔ دستوری "باطل" مشخص نشده است. اولین برابر نهاده صفت است، دومی اسم، سومی صفت و چهارمی هم اسم و هم صفت. ثانیاً برابر نهاده‌های فوق در بافت‌های متفاوت معنی باطل می‌دهند بطوری که در همه جا نمی‌توان آنها را به جای یکدیگر به کار برد. برای مثال، به برخی از موارد کاربرد کلمه باطل در قرآن به نقل از ترجمه پیکتال توجه کنید. در هر مورد مترجم با توجه به بافت جمله‌ای که کلمه در آن قرار گرفته و با توجه به نقش دستوری کلمه، معادل متفاوتی پیشنهاد کرده است:

- Why confound ye truth with falsehood. لم تلبسون الحق بالباطل

- That He might cause the Truth to triumph and bring vanity to naught.

ليحق الحق و يبطل الباطل

- ... and that whercon they call instead of Him, it is *the false*.

و ان ما يدعون من دونه هو الباطل

... those who disbelieve would verily exclaim: You are but *tricksters*.

ليقولن الذين كفروا ان انتم الامبطلون

- And eat not up your property among yourselves *in vanity*.

و لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل

- ... devour the wealth of mankind *wantonly*.

لياكلون اموال الناس بالباطل

برای کلمه باطن برابر نهاده‌های زیر داده شده است:

inward (state or aspect)

innermost part

interior; esoteric

intrinsic

hidden meaning

در این مورد نیز نبود اطلاعات بافتی همراه با معادلهای، معنی معادلهای را محدود نکرده و نیز نحوه کاربرد آنها را مشخص نکرده است. در اینجا نیز معادلهای پیشنهادی از مقولات دستوری متفاوتی هستند. باطن اسم است ولی تنها معادلهای دوم و پنجم اسم‌اند، بقیه صفت‌اند.

مشکل ثبت این قبیل مدخلها را به دو طریق می‌توان حل کرد. راه اول اینست که در مواردی که مدخل جدا از بافت بر معانی مختلف حمل می‌شود، معانی مختلف مدخل را (دست کم آن تعداد معانی را که در محدوده هدف کتاب می‌گنجد) از یکدیگر تفکیک کرده و همراه با توضیح یا معادل فارسی در ذیل مدخل، تحت عنوان زیر مدخل، نوشت. در این صورت معادلهای پیشنهادی برحسب معنایی که دارند در برابر زیر مدخل مربوط قرار می‌گیرند. بر این اساس مدخل باطل را، در برخی از کاربردهای قرآنی‌اش و تنها با استفاده از یک منبع یعنی ترجمه پیکتال از قرآن به صورت زیر می‌توان نوشت:

باطل

falsehood, the false, (the) wrong

باطل: متضاد حق

(render) null and void

باطل (کردن): بلا اثر (کردن)

trickster

باطل: فرد فاسد

lie

باطل: دروغ

vanity

باطل: سخن و عمل بیهوده و یاوه (جمع اباطیل)

راه دیگر این است که مدخل باطن را در بافت یعنی در جملات یا گروه (phrase)هایی برگرفته از منابع مورد تحقیق بیاوریم بطوری که در هر مورد خواننده با دیدن کاربرد کلمه و آشنایی با هم‌نشینهای آن (collocation) معنی دقیق کلمه را درک کند و نیز اطلاعات بافتی داده شده او را در بکارگیری واژه، (چه در نوشتن و چه در صحبت کردن) - بخصوص برای مترجمان حضوری کنفرانسها که به چنین برابر نامه‌ای بسیار نیازمندند) یاری دهد. نیز به مدخل‌های زیر توجه کنید:

assent; declaration; affirmation;

تصدیق

judgment; assertion

circulation; alternation; currency

تداول

threshold; shrine; sill

آستانه

در این موارد معادلهای پیشنهادی در بافت‌های معینی به این معانی آمده است ولی این بافت‌ها برای خواننده روشن نیست. در کتاب تنها به ذکر شماره منبع اکتفا شده که این هیچ کمکی به درک معنی معادلهای نمی‌کند و اگر احیاناً خواننده بخواهد این معادلهای را در نوشته یا صحبت بکار بگیرد (آیا می‌توان فایده‌ای جز این برای این معادلهای تصور کرد؟) احتمال ایجاد اشتباهات مضحک وجود دارد.

۳ - در تدوین برابرنامه نباید صرفاً به گردآوری برابر نهادهای مترجمان مختلف اکتفا کرد. پس از مرحله ابتدایی گردآوری واژه‌ها که ماده خام کار می‌باشند، کار اصلی یعنی گزینش و توضیح واژه‌ها و نحوه ارائه آنها آغاز می‌شود. در مورد گزینش واژه‌ها باید دقت کرد منابعی که مورد استفاده قرار می‌گیرند از اعتبار لازم برخوردار باشند. فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی از منابع موثق بسیاری سود جسته است، با این حال در فهرست منابع کتابهایی دیده می‌شود که در ایران ترجمه و منتشر شده است. این منابع

دست دوم نوعاً قابل اعتماد نیستند و یا دست کم همسنگ سایر منابع نیستند. برای مثال معادلهای چهار مدخل آخوند، ائمه الهدی، اخبار غیبی، و آراء عمومی برگرفته شده از چنین منابعی به قرار زیر است:

religious teacher	آخوند
the Imams of right guidance	ائمه الهدی
general votes of people	آراء عمومی
prophecies and information of unseen	اخبار غیبی

در مورد توضیح واژگان، چنانکه پیشتر ذکر شد، اکثر مدخلها یا با توضیحاتی همراه است و یا مشخص شده که هر مدخل ارباب جمعی کدام علم است. اما تعدادی از مدخلها بدون توضیح آمده است. برابرنامه بدون تعریف و توضیح اگر کاملاً روشمند تدوین شده باشد، بقول صاحب نظری، تنها اسکلت علمی را می نمایاند. این اسکلت در بهترین صورت خود فقط برای متخصصان قابل استفاده است. برای افرادی با دانش معمولی، اعم از دانشجو یا مترجم، کافی نیست، بطوری که در بعضی موارد برای درک معنی مدخل لازم است این افراد به فرهنگ‌های دیگر مراجعه کنند. از این قبیل است مدخلهایی از کتاب نظیر

correspondent	متکافی	apostate	مارق
taking admonition	متّعظ	surveyor	ماسح
pious retreat	مجاوره	mutual cursing	مباهله
correlation	مضافت	planets	متحیره

۴ - فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی خالی از سهو القلم و اشتباهات چاپی نیست. برای مثال در برابر مدخلهای اعتماد و ابصار بترتیب impulse و See آمده است. فهرست منابع بنابر اصول متداول کتابنامه نویسی تنظیم نشده و معلوم نیست بر چه اساسی ترتیب یافته است. تعداد دقیق یا تقریبی مدخلها ذکر نشده و بالاخره عنوان فارسی و انگلیسی کتاب با هم مغایرند. در عنوان فارسی کلمه تمدن آمده ولی در عنوان انگلیسی این کلمه وجود ندارد. برای عناوین فارسی و انگلیسی کتاب، عبارات زیر را پیشنهاد می‌کنم: "برابرنامه اصطلاحات فرهنگ و علوم اسلامی"

A Dictionary of Islamic Culture and Sciences Terminology

به رغم نکاتی که ذکر شد، فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی با چاپ و صحافی زیبا و جلد نفیس آن که در خور کتب مرجعی از این دست است، برای پژوهندگان و اسلامشناسان و ایرانشناسان سراسر جهان و مخصوصاً محققان و مترجمان مسلمان "کتابی است مطلقاً ضروری و مفید."